فصلنامهٔ مطالعات ایران‌شناسی
سال نهم، شمارهٔ ۴، شمارهٔ پیاپی۲۹، زمستان ۱۴۰۴
Quarterly of - Iranology Studies
Volume 9, Issue 4, Serial number 29, Winter 2026
Doi:10.22034/is.2026.2067823.107

رواج معماری غربی در دوره‌ی پهلوی اول و تأثیر آن بر سبک زندگی زنان ایرانی

جواد عسکری چاوَردی[۱]

چکیده

معمـاری به‌عنـوان یـکی از مهم‌تریـن عناصـر شـکل‌دهنده بـه فضـای اجتمـاعی، در دورهٔ پهلـوی اول تحـت تأثیـر فراینـد نوسـازی و ورود الگوهـای معمـاری غـربی دسـتخوش تحـولات بنیادیـن شـد. ایـن تغییـرات، علاوه بـر دگرگـونی سیمـای شـهر تهـران، بـر سـازمان فضـایی زنـدگی اجتمـاعی و الگوهـای حضـور زنـان در عرصـهٔ عمـومی نیـز تأثیـر گذاشـت. پژوهـش حاضـر بـا هـدف بـررسی تأثیـر رواج معمـاری غـربی و فضاهـای جدیـد شـهری بـر سـبک زنـدگی و شیـوهٔ زیسـت زنـان ایـرانی در دورهٔ پهلـوی اول انجـام شـده اسـت. ایـن پژوهـش بـا رویکـرد تاریـخی و بـا بهره‌گیـری از روش توصیـفی ــ تحلیـلی انجـام شـده و بـا تمرکـز بـر شـهر تهـران، تحـولات معمـاری و شهرسـازی دورهٔ پهلـوی اول را در پیونـد بـا تحـولات سیـاسی، اجتمـاعی و فرهنـگی بـررسی می‌کنـد. داده‌هـای پژوهـش از منابـع کتابخانـه‌ای و اسـناد و آثـار مکتـوب مرتبـط بـا معمـاری، شهرسـازی، نوسـازی و وضعیـت اجتمـاعی زنـان گـردآوری و تحلیـل شـده‌اند. یافته‌هـای پژوهـش نشـان می‌دهـد کـه نوسـازی معمـاری در دورهٔ پهلـوی اول صرفـاً بـه تغییـر شـکل بناهـا محـدود نمانـد، بلکـه بـا ایجـاد و گسـترش فضاهـای جدیـدی همچـون خیابان‌هـا و میدان‌هـا، مـدارس دخترانـه، دانشـگاه، ورزشـگاه‌ها، سینماهـا، کلوپ‌هـا و دیگـر مراکـز عمـومی و تفریـحی، الگوهـای حضـور و تعامـل اجتمـاعی زنـان را نیـز دگرگـون کـرد. گـذار از معمـاری درون‌گـرا بـه الگوهـای برون‌گـرا، کوتاه‌شـدن دیوارهـای پیرامـونی، رواج «دیـوار شـفاف»، تغییـر جهـت پنجره‌هـا و ورودی خانه‌هـا و شـکل‌گیری تدریـجی آپارتمان‌نشیـنی، از یـک سـو مرزهـای سـنتی میـان فضـای خصـوصی و عمـومی را جابه‌جـا کـرد و از سـوی دیگـر امـکان حضـور گسـترده‌تر زنـان

۱
. دانش‌آموختهٔ دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، ایران.
askari.lar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۹/۱۶

در عرصهٔ عمومی را فراهم ساخت. همچنین مدارس جدید و دانشگاه، امکان گسترش آموزش زنان را افزایش دادند و خیابان‌ها، میدان‌ها و فضاهای عمومی جدید به تدریج به عرصه‌هایی برای حضور اجتماعی و سیاسی آنان تبدیل شدند. با این حال، این فرایند ماهیتی یک‌سویه و همگون نداشت و میان الگوهای فضایی جدید، سیاست تجددگرایی دولت و فرهنگ و سنت‌های اجتماعی موجود، به‌ویژه در زمینهٔ محرمیت و سازمان خانواده، تنش‌هایی ایجاد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، معماری غربی در دورهٔ پهلوی اول را نمی‌توان صرفاً پدیده‌ای زیبایی‌شناختی یا فنی دانست؛ بلکه این معماری بخشی از فرایند گستردهٔ نوسازی اجتماعی و فرهنگی بود که از طریق بازسازمان‌دهی فضاهای خصوصی و عمومی، در تغییر سبک زندگی زنان ایرانی نقش ایفا کرد. فضاهای معماری جدید از یک سو زمینهٔ گسترش آموزش، فعالیت اجتماعی و حضور عمومی زنان را فراهم کردند و از سوی دیگر، با تضعیف برخی مرزهای فضایی و فرهنگی سنتی، زمینهٔ شکل‌گیری تعارض میان تجدد و الگوهای بومی و مذهبی را پدید آوردند. از این منظر، معماری دورهٔ پهلوی اول را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در بازتعریف رابطهٔ زن، خانواده و فضای عمومی در ایران معاصر دانست

واژه‌های کلیدی: معماری غربی، پهلوی اول، رضاشاه، نوسازی، شهر تهران، سبک زندگی، زنان ایرانی، معماری برون‌گرا، فضای عمومی، محرمیت

مقدمه

با گسترش ارتباطات ایران با غرب در دورهٔ قاجار، آشنایی ایرانیان با تحولات جهان غرب افزایش یافت و آگاهی از تفاوت‌های میان ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فناورانهٔ ایران و غرب، به‌تدریج اندیشه‌هایی چون ترقی، حکومت قانون، نوسازی کشور و ایجاد نهادهای جدید تمدنی را در جامعهٔ ایران تقویت کرد. در این دوره، نهادها و فناوری‌هایی مانند وزارتخانه‌ها، پست، تلگراف، روزنامه و مطبوعات، چاپ و انتشارات، دارالفنون و آموزش نوین، مجلس، راه‌آهن و وسایل جدید حمل‌ونقل یکی پس از دیگری گسترش یافتند. هم‌زمان، ارتقای سطح بهداشت و افزایش جمعیت، حضور نمایندگان سیاسی دولت‌های خارجی، افزایش شمار کارکنان دولت و توسعهٔ وسایل حمل‌ونقل، نیاز به فضاهای بزرگ‌تر و دگرگونی بافت سنتی شهرهای قاجاری را افزایش داد. در چند مرحله، حصارها و دیوارهای شهر کهن فرو ریخت و فضاهای جدید شکل گرفت. در همین روند، معماری غربی نیز به‌تدریج وارد کشور شد و زمینهٔ دگرگونی معماری ایرانیاسلامی را فراهم کرد؛ هرچند این

تغییرات در دورهٔ قاجار هنوز محدود بود و عناصر ایرانی در معماری غلبه داشتند. نکتهٔ مهم آن است که تحول معماری در این دوره و سپس در دورهٔ پهلوی، هم‌زمان با دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش رفت و تا حد زیادی پاسخی به نیازهای جدید بود. محدودیت منابع مالی دولت نیز از عواملی بود که روند تغییر معماری و شهرسازی در دورهٔ قاجار را کند می‌کرد. پس از انقلاب مشروطه و به‌ویژه از سال ۱۲۹۹ خورشیدی، با وقوع کودتا و قدرت‌گیری رضاخان میرپنج، زمینهٔ شکل‌گیری دولتی متمرکزتر فراهم شد. ناامنی‌ها و آشفتگی‌های سیاسی پس از مشروطه، ضعف حکومت قاجار و مداخلات روزافزون دولت‌های خارجی، به‌ویژه روسیه و بریتانیا، بخشی از جامعه و روشنفکران را به حمایت از ظهور قدرتی مرکزی برای پایان‌دادن به بی‌ثباتی سوق داد

رضاخان، که بعدها به سلطنت رسید، برای تحکیم حکومت مرکزی با اتکا به ارتشی منسجم به سامان‌دهی اوضاع کشور و ایجاد نهادهای جدید روی آورد. نوسازی موردنظر حکومت، تنها جنبهٔ اداری و سیاسی نداشت، بلکه سیمای فیزیکی شهرها و بناها را نیز در بر می‌گرفت؛ ازاین‌رو معماری و شهرسازی در این دوره دستخوش دگرگونی شد. در کنار استفاده از برخی عناصر معماری ایران باستان، الگوهای غربی نیز حضوری پررنگ یافتند و تا پایان دورهٔ پهلوی اول، چهرهٔ بسیاری از شهرها، به‌ویژه تهران، تغییر کرد. پژوهش حاضر می‌پرسد این دگرگونی‌ها چه تأثیری بر معماری دورهٔ پهلوی اول و بر زندگی و شیوهٔ زیست زنان ایرانی گذاشت. اهمیت این پرسش از آن روست که تغییر فضای کالبدی شهرها با تحولات فرهنگی و اجتماعی هم‌زمان بود و پیامدهایی گوناگون، گاه سازگار و گاه ناسازگار با سنت‌های ایرانی‌اسلامی، به همراه داشت. ازاین‌رو، این مطالعه با رویکردی میان‌رشته‌ای و با تأکید بر نگاه تاریخی و جامعه‌شناختی، رابطهٔ میان معماری، تحولات اجتماعی و زندگی زنان را بررسی می‌کند و تنها در موارد لازم به مباحث فنی معماری می‌پردازد. هدف آن است که از تحلیل تاریخی این تجربه، نکاتی نظری برای فهم بهتر نسبت میان نوسازی معماری و فرهنگ بومی استخراج شود و از نتایج آن در کاهش تعارض‌های ناشی از مواجههٔ مدرنیته با الگوهای سنتی زندگی زنان و خانواده‌های ایرانی بهره گرفته شود

اهمیت این پژوهش، افزون بر جنبهٔ نظری، به کاربردهای آن در حوزه‌های علمی، دانشگاهی و حرفه‌ای مربوط است. نتایج آن می‌تواند برای نهادهای پژوهشی و فرهنگی،

سازمان‌های مرتبط با میراث فرهنگی و گردشگری، نهادهای حوزهٔ مسکن و شهرسازی، سازمان نظام مهندسی و نیز طراحانی که به پیوند معماری با تاریخ و فرهنگ بومی توجه دارند، قابل‌استفاده باشد

ضرورت پژوهش نیز از خلأ موجود در مطالعاتی ناشی می‌شود که رابطهٔ علّی میان تحولات تاریخی و اجتماعی، دگرگونی‌های معماری و تغییرات شیوهٔ زیست زنان را با رویکردی تاریخی بررسی کرده باشند. پژوهش حاضر می‌کوشد این پیوند را در چارچوب دورهٔ پهلوی اول تحلیل کند؛ موضوعی که در مطالعات پیشین کمتر با این زاویهٔ دید بررسی شده است

این پژوهش با چشم‌انداز دستیابی به دو هدف کوتاه‌مدت و بلندمدت انجام می‌شود. در هدف کوتاه‌مدت، در پی پاسخ‌گویی به پرسش اصلی پژوهش و شناسایی، تحلیل و ارزیابی تأثیر معماری مدرن غرب بر سبک زندگی زنان هستیم. هدف بلندمدت نیز آن است که از نتایج پژوهش برای کاهش تعارض‌های ناشی از مواجهه و تلفیق مدرنیته و تجدد با فرهنگ بومی و سنتی زنان و خانوادهٔ ایرانی بهره گرفته شود

از جملهٔ کاربردهای این پژوهش می‌توان به بهره‌گیری از نتایج آن در سازمان‌هایی مانند سازمان میراث فرهنگی، مؤسسات گردشگری، نهادهای وابسته به وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌هابه‌ویژه در طراحی ساختمان‌های جدیدو مراکز علمی و دانشگاهی، از جملهٔ دانشگاه‌ها و دانشکده‌های هنر و معماری، اشاره کرد

این پژوهش با هدف پاسخ‌گویی به دو پرسش اصلی طراحی شده است: نخست، معماری مدرن غرب چه تأثیری بر معماری دورهٔ پهلوی اول گذاشت؟ دوم، دگرگونی‌های معماری ایران که در پی تأثیرپذیری از معماری غرب پدید آمد، چه تأثیری بر زندگی، فرهنگ و شیوهٔ زیست زنان ایرانی داشت؟

پیشینه پژوهش

دربارهٔ موضوع پژوهش حاضر، تاکنون اثری که به‌طور کامل و مستقل به آن پرداخته باشد، منتشر نشده است؛ بااین‌حال، معماری معاصر ایران به‌صورت پراکنده در برخی آثار بررسی شده است. از جمله می‌توان به کتاب‌های *معماری معاصر ایران* (امیرمسعود بانی)، *معماری ایران* (محمد یوسف کیانی)، *معماری ایران در عصر پهلوی اثر* پرویز

رجبی، *معماری دورهٔ پهلوی اول* اثر مصطفی کیانی، *معماری نیکلای مارکوف* اثر ویکتور دانیل، *معماری ایران* اثر آرتور پوپ، از *شار تا شهر* اثر سیدمحسن حبیبی، *آیینهٔ خیال* اثر مرتضی گودرزی، *نقش معماری در پیدایش شهر تهران* اثر ام. جنیفر اسکرس و *آشنایی با معماری اسلامی ایران* اثر محمدکریم پیرنیا اشاره کرد. همچنین، آثار ناصر تکمیل‌همایون دربارهٔ شهر تهران و آثار یحیی ذکاء، ابوالقاسم سحاب و حسین سلطان‌زاده مطالبی دربارهٔ معماری دورهٔ پهلوی اول دربر دارند. افزون بر این، چند پایان‌نامهٔ دانشگاهی، از جمله «گامی در شناخت خانه‌های شهر تهران در اوایل قرن چهاردهم شمسی» (شیما بکاء) و «گونه‌شناسی خانه‌های مشهد در اواخر دورهٔ قاجار و پهلوی» (مرتضی محمودی)، به‌صورت تخصصی‌تر به معماری دورهٔ پهلوی اول پرداخته‌اند

در مجموعه‌مقالات منصوره اتحادیه دربارهٔ شهر تهران، مقالهٔ «بر معماری سنتی ایران چه گذشت» اثر هوشنگ صانعی در مجلهٔ «ساختمان»، «تاریخ فرهنگی فضای معماری و شهری از عصر مشروطه تا امروز» اثر زهره دودانگه، «ارگ تاریخی تهران» اثر مختاری طالقانی در مجموعه‌مقالات دومین کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، «معماری خیابانی و هویت سیمای شهری در ایران» اثر کامران ذکاوت در ماهنامهٔ «دانش»، «بررسی تجددگرایی در معماری معاصر ایران» اثر مزین دهباشی شریف در مجلهٔ «معماری و شهرسازی» و «روند شکل‌گیری معماری در دورهٔ پهلوی اول» اثر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی در مجموعه‌مقالات نخستین کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به‌طور پراکنده به تأثیر معماری غربی بر معماری ایران پرداخته شده است؛ بااین‌حال، در این آثار اشارهٔ مستقیمی به موضوع زنان دیده نمی‌شود

در همهٔ آثار یادشده، تمرکز عمدتاً بر توصیف معماری است و پرسش پژوهشی مشخصی مطرح نشده است؛ یا در مواردی که نویسنده به تحلیل پرداخته، تحلیل‌ها غالباً کلی و توصیفی باقی مانده‌اند. هدف اصلی این آثار بیشتر بیان ویژگی‌های ظاهری و توصیف معماری بوده است. در مقالاتی که موضوع را تخصصی‌تر بررسی کرده‌اند، نوعی تبیین رابطهٔ علت و معلولی نیز دیده می‌شود؛ بااین‌حال، از آنجا که پژوهش‌های مذکور پرسش‌های خود را در چارچوب موضوعات ویژهٔ خود طرح کرده‌اند، نمی‌توان آن‌ها را به‌طور مستقیم مبنای پژوهش حاضر قرار داد

همچنین، با توجه به اینکه پدیدآورندگان آثار یادشده تقریباً همگی معماران ایرانی

یـا خارجی‌انـد، ایـن آثـار عمدتـاً از زاویـهٔ دیـد معمارانـه بـه معمـاری ایـن دوره پرداخته‌انـد؛ درحالی‌کـه پژوهـش حاضـر رویکـردی تاریـخی و جامعه‌شـناختی دارد

ازایـن‌رو، پژوهـش حاضـر ضمـن بهره‌گیـری از دسـتاوردهای پژوهش‌هـای پیشیـن، می‌کوشـد معمـاری دورهٔ پهلـوی اول را از زاویـه‌ای متفـاوت، یعـنی بـا رویکـردی تاریـخی و جامعه‌شـناختی بـررسی کنـد و از منظـر تحـولات و نیازهـای سیاسیاجتمـاعی و نیـز روابـط ایـران بـا کشـورهای غـربی، رونـد دگرگـونی سـبک معمـاری را واکاوی کنـد. همچنیـن، ایـن پژوهـش در پی آن اسـت کـه شـکل‌گیری سـبک نوگـرایی موسـوم بـه «معمـاری پهلـوی اول» را، به‌مثابـهٔ برآینـد مجموعـه‌ای از تحـولات تاریـخی، معـرفی و پیامدهـای مثبـت و منـفی آن را بـر شیـوهٔ زنـدگی زنـان ایرانیکـه تـا پیـش از ایـن دوره عمدتـاً در چارچـوب الگوهـای سـنتی شـکل می‌گرفتبـررسی کنـد. ایـن مسـئله در پژوهش‌هـای پیشیـن کمتـر موردتوجـه قـرار گرفتـه و وجـه تمایـز پژوهـش حاضـر نیـز در همیـن نکتـه اسـت: تبییـن رابطـهٔ علّـی میـان پیدایـش یـک سـبک جدیـد معمـاری و پیامدهـای آن بـرای زنـدگی زنـان ایـرانی

روش پژوهش

بـا توجـه بـه ماهیـت موضـوع، اطلاعـات ایـن پژوهـش عمدتـاً بـه روش کتابخانـه‌ای گـردآوری شـده و در مـوارد لازم از مشـاهدهٔ میـدانی و بـررسی مسـتقیم آثـار نیـز بهـره گرفتـه شـده اسـت. روش پژوهـش توصیفیتحلیـلی اسـت و در آن، افـزون بـر توصیـف تحـولات معمـاری، علـل شـکل‌گیری ایـن تغییـرات و پیامدهـای اجتمـاعی و فرهنـگی آن‌هـا نیـز بـررسی می‌شـود

بیان مسئله

بـا اسـتقرار حکومـت پهلـوی در سـال ۱۳۰۴ خورشیـدی، دگرگونی‌هـایی گسـترده در حوزه‌هـای اجتمـاعی، اقتصـادی، سیـاسی و فرهنـگی آغـاز شـد و سـاختارهای شـهری و نهادهـای مـدنی نیـز از ایـن رونـد تأثیـر پذیرفتنـد. معمـاری یـکی از مهم‌تریـن عرصه‌هـایی بـود کـه در چارچـوب سیاسـت‌های نوسـازی و مدرنیزاسیـون تغییـر کـرد. هرچنـد تحـول معمـاری در ایـران پیشینـه‌ای طـولانی و تدریـجی داشـت، از اواسـط دورهٔ قاجـار و بـا افزایـش روابـط بـا غربـاز طریـق سـفرا، بازرگانـان، درباریـان و دانشـجویان اعزامیسـرعت ایـن دگرگـونی افزایـش یافـت. در دورهٔ پهلـوی اول، سیاسـت رسـمی نوسـازی بـر ضـرورت تغییـر سیمـای کالبـدی کشـور نیـز تأکیـد داشـت و

معماری جدید به یکی از ابزارهای نمایش نظم و اقتدار دولت تبدیل شد. در کنار گرایش به احیای برخی عناصر ایران باستان، الگوهای معماری غربی نیز گسترش یافتند و چهرهٔ شهرها، به‌ویژه تهران، دگرگون شد. از آنجا که این تحولات با جامعه‌ای همراه بود که بخش بزرگی از آن همچنان بر اساس الگوهای سنتی زندگی می‌کرد، در برخی موارد میان فضای جدید و عادات و ارزش‌های موجود تعارض‌هایی پدید آمد. پژوهش حاضر با تمرکز بر همین مسئله می‌پرسد: ورود و گسترش معماری غربی چه تأثیری بر معماری و فضاهای شهری دورهٔ پهلوی اول گذاشت و این تغییرات چه پیامدهایی برای فرهنگ عمومی و شیوهٔ زندگی زنان ایرانی داشت؟ این موضوع با رویکردی تاریخی بررسی می‌شود، نه با تمرکز بر فنون فنی معماری. ابتدا عوامل ورود و گسترش نهادها و فضاهای جدید شناسایی می‌شوند و سپس پیامدهای آن‌ها برای زندگی، فرهنگ و شیوهٔ زیست زنان تحلیل می‌گردند. به‌سبب گستردگی آثار معماری این دوره و جایگاه تهران به‌عنوان مرکز سیاسی و اداری کشور، قلمرو مکانی پژوهش عمدتاً شهر تهران و بناهای عمومی و دولتی پرکاربرد آن است

تلاش رضاشاه برای رواج معماری نوین غربی

رضاشاه پس از تثبیت قدرت، مجموعه‌ای از اصلاحات اجتماعی و اداری را آغاز کرد. هرچند برنامه‌ای منسجم و مدون برای نوسازی یا مدرنیزاسیون کشور ارائه نکرد، اقدامات او نشان می‌دهد که حکومت در پی ایجاد ایرانی متمرکز و برخوردار از نهادهای آموزشی جدید، ساختار اقتصادی نوین، شبکه‌های ارتباطی و مؤسسات مدرن بود. در این چارچوب، سیاست‌هایی مانند محدودکردن نفوذ نهادهای سنتی، تقویت ناسیونالیسم، گسترش آموزش و توسعهٔ سرمایه‌داری دولتی دنبال شد. هم‌زمان، مناسبات خارجی ایران در حوزه‌های تجاری و صنعتی گسترش یافت و فعالیت‌های عمرانی و صنعتی بخش دولتی، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۴ خورشیدی، افزایش پیدا کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۲۸؛ دانیل، ۱۳۸۲: ۲۲)

میدان‌ها، مدارس و فعالیت سیاسی زنان

فعالیت اجتماعی و سیاسی زنان چند سال پیش از روی کار آمدن رضاشاه آغاز شده بود و

مشـارکت در فعالیت‌هـای سیـاسی یـکی از نمودهـای مهـم حضـور آنـان در عرصـهٔ عمـومی بـه شـمار می‌رفـت. گسـترش فضاهـای شـهری و نهادهـای جدیـد، از جملـه میدان‌هـا و مـدارس، امکان‌هـای تـازه‌ای بـرای گردهمـایی و فعالیـت اجتمـاعی زنـان فراهـم کـرد

میـدان بهارسـتان از شـاخص‌ترین فضاهـای شـهری پـس از صـدور فرمـان مشـروطه و تشـکیل مجلـس بـود. قرارگرفتـن مجلـس در مجـاورت ایـن میـدان، آن را بـه یـکی از عرصه‌هـای مهـم کنـش و تقابـل اجتمـاعی تبدیـل کـرد و در سـال‌های بعـد نقـشی نمادیـن در تجمع‌هـا و تظاهـرات یافـت. اقشـار گوناگـون، از روحانیـان و طلاب و تجـار و کسـبه تـا روشـنفکران، تحصیل‌کـردگان، گروه‌هـای فرودسـت و زنـان، در ایـن فضـا حضـور می‌یافتنـد و میـدان بهارسـتان صحنـهٔ رخدادهـایی از تظاهـرات و بسـت‌نشینی تـا گردهمـایی، مباحثـهٔ سیـاسی، جشـن‌های مـلی و حـتی اعـدام مخالفـان مشـروطه بـود (نوربخـش، ۱۳۸۶: ۵۶)

یـکی از مهم‌تریـن دسـتاوردهای جنبـش مشـروطه، شـکل‌گیری تشـکل‌ها و انجمن‌هـای سیـاسی و اجتمـاعی بـود. پیـش از تأسیـس مجلـس، به‌سـبب مخفی‌بـودن فعالیـت بسیـاری از ایـن انجمن‌هـا، جلسـات آنـان عمدتـاً در خانـهٔ اعضـا و به‌صـورت پنهـانی برگـزار می‌شـد. ملـک‌زاده از خانـهٔ میـرزا سـلیمان‌خان میکـده در خیابـان گمـرک، خانـهٔ حـاجی شیـخ مهـدی شـریف کاشـانی و خانـهٔ ملک‌المتکلمیـن به‌عنـوان محل‌هـای تشـکیل انجمـن مـلی یـاد کـرده و خانـهٔ حکیم‌الملـک در خیابـان پسـتخانه را نیـز محـل تشـکیل کمیتـهٔ سـری انـقلاب، هسـتهٔ مرکـزی انجمـن مـلی، دانسـته اسـت. پـس از صـدور فرمـان مشـروطه، بخـشی از فعالیـت انجمن‌هـا آشـکارتر شـد؛ هرچنـد بـرخی همچنـان مخفیانـه فعالیـت می‌کردنـد. در همیـن دوره، شـماری از تشـکل‌های زنـان در مـدارس تازه‌تأسیـس شـکل گرفتنـد. روزنامـهٔ «ایـران نـو»، بـرای نمونـه، از سـخنرانی یـکی از زنـان فعـال جنبـش در مدرسـهٔ اناثیـهٔ شـاه‌آباد یـاد کـرده اسـت (همـان: ۵۷)

برون‌گرایی در معماری

در شـکل‌گیری معمـاری ایـن دوره، مجموعـه‌ای از عوامـل داخـلی و خـارجی نقـش داشـتند. عوامـل داخـلی عمدتـاً ریشـه در سـنت‌های معمـاری پیشیـن ایـران، به‌ویـژه دورهٔ صفویـه، داشـتند و آثـار آن‌هـا را می‌تـوان در خانه‌هـای مسـکونی، بناهـای مذهـبی ماننـد مسـجد، تکیـه، حسینیـه و امامـزاده، و نیـز در بناهـایی چـون قهوه‌خانـه و یخچـال مشـاهده کـرد (کمـالی، ۱۳۸۹: ۴۸). درون‌گـرایی از ویژگی‌هـای مهـم معمـاری اوایـل دورهٔ قاجـار بـود و ایـن معمـاری،

در بسیاری از جنبه‌ها، ادامهٔ سنت «مکتب اصفهان» به شمار می‌رفت. استمرار سازمان فضاییکالبدی این مکتب سبب شد دولت قاجار نیز بر پایهٔ سنت‌های پیشین به ایجاد بناها و آثار عام‌المنفعه، به‌ویژه در پایتخت، بپردازد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). ویژگی‌هایی مانند درون‌گرایی، مرکزیت و تعادل موزون را می‌توان در پیوند با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی زمانه فهمید. خانه‌های تودرتو، فضاهای محصور و کوچه‌های پیچ‌درپیچ، علاوه بر پاسخ‌گویی به شرایط اقلیمی و امنیتی، در شکل‌گیری حریم‌های خصوصی نیز نقش داشتند. از همین رو، مردم‌واری و توجه به نیازهای ساکنان از اصول مهم معماری سنتی دانسته شده است (انصاری، ۱۳۸۸: ۷۱)

در معماری مسکونی دورهٔ پهلوی اول، به‌سبب تنوع جغرافیایی و تفاوت میان گروه‌های اجتماعیاز شاهزادگان و صاحب‌منصبان تا روشنفکران، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، تجار، ثروتمندان، کارمندان، طبقات عامه و پیشه‌ورانگونه‌های متنوعی از ساخت‌وساز دیده می‌شود. هم‌زمان، معیارهای جامعه برای ارزیابی مسکن تغییر کرد و معماری ناگزیر بود به خواسته‌ها و نیازهای جدید پاسخ دهد. به این ترتیب، دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی زمینهٔ گسترش الگوهای برون‌گرا و ظهور معماری مدرن مسکونی در تهران را فراهم کرد (سهرابی، ۱۳۸۶: ۷؛ زرکش، ۱۳۸۸: ۲۰)

درون‌گرایی برای مدت طولانی یکی از ویژگی‌های مهم معماری ایران بود و در شکل‌گیری مرز میان فضاهای خصوصی و عمومی و نیز شیوهٔ معاشرت و رفت‌وآمد افراد نقش داشت. این الگو با اصل محرمیت پیوند نزدیکی داشت. با آغاز دورهٔ پهلوی اول، الگوهای برون‌گرا به‌تدریج گسترش یافتند و افزون بر نمای بیرونی بناها، سازمان فضایی و نحوهٔ استفاده از فضا نیز تغییر کرد. این تحولات با تغییر در علایق، رفتارها و سبک زندگی بخشی از جامعه همراه شد. میزان و سرعت سازگاری گروه‌های اجتماعی با این الگوها یکسان نبود؛ در شهرها و میان طبقات مرفه، پذیرش شیوه‌های جدید سریع‌تر از روستاها و طبقات کم‌درآمد رخ داد. برخی پژوهشگران این روند را متأثر از گرایش به الگوهای غربی و کم‌توجهی به بخشی از فرهنگ بومی دانسته‌اند (حسین یزدی، ۱۳۹۲: ۴)

در چارچوب سیاست‌های تجددگرایانهٔ حکومت، مراکز تفریحی جدید و الگوهای معماری برون‌گرا گسترش یافتند و در برخی فضاها، اصل محرمیت که در معماری سنتی اهمیت داشت تضعیف شد (بمانیان، ۱۳۸۵: ۷). از منظر این پژوهش، این تحول تنها تغییری در

ظاهـر بناهـا نبـود، بلکـه بـر تجربـهٔ حریـم خصـوصی و نحـوهٔ حضـور افـراد، به‌ویـژه زنـان، در فضـای خانـه و شـهر نیـز اثـر گذاشـت. بـه همیـن سـبب، هم‌زمـانی دگرگـونی معمـاری بـا سیاسـت‌هایی ماننـد کشـف حجـاب، در بـرخی تحلیل‌هـا به‌عنـوان بخـشی از تغییـر گسـترده‌تر الگوهـای فرهنـگی و اجتمـاعی ایـن دوره تفسیـر شـده اسـت

گسـترش الگوهـای معمـاری غـربی در ایـن دوره تنهـا بـه ادارات و نهادهـای حکومـتی محـدود نمانـد و بـا ایجـاد گونه‌هـای تـازه‌ای از فضاهـای عمـومی همـراه شـد. پارک‌هـا، سینماهـا، کافه‌هـا، رسـتوران‌های مـدرن و دیگـر مراکـز تفریـحی بـه تدریـج بخـشی از زنـدگی شـهری شـدند و فرصت‌هـای بیشـتری بـرای گـذران اوقـات فراغـت در فضـای عمـومی فراهـم کردنـد. ایـن تحـول، در کنـار دیگـر تغییـرات اجتمـاعی، زمینـهٔ حضـور گسـترده‌تر زنـان در فضاهـای عمـومی را نیـز تقویـت کـرد

خیابان

بـر اسـاس نقشـه‌ای کـه شـهرداری وقـت تهیـه کـرد، محـدودهٔ تهـران توسـعه یافـت؛ شـهر از شـمال بـه خیابـان شـاهرضا، از جنـوب بـه ایسـتگاه راه‌آهـن، از شـرق بـه محـل کارخانـهٔ جدیـد بـرق و از غـرب بـه باغشـاه محـدود شـد و مسـاحت آن بـه حـدود ۲۵ میلیـون مترمربـع رسـید. بـا تعریـض خیابان‌هـا، خطـوط تراموای اسـبی از میـان رفـت و سیمـای شـهر به‌تدریـج دگرگـون شـد. در سـال ۱۳۱۰ خورشیـدی، میـدان توپخانـه و خیابـان لاله‌زار آسـفالت شـدند. لاله‌زار بـه یـکی از مهم‌تریـن فضاهـای مواجهـهٔ شـهروندان بـا مظاهـر زنـدگی شـهری جدیـد تبدیـل شـد و گـردش در آن، به‌ویـژه در میـان طبقـات مرفـه، بـا تغییـر الگوهـای مصـرف و افزایـش تقاضـا بـرای کالاهـای لوکـس همـراه بـود. ایـن دگرگونی‌هـای مصـرفی می‌توانسـت بـر جایـگاه بـرخی صنایع‌دسـتی و تولیـدات خانـگی زنـان نیـز اثـر بگـذارد

بخـش مهـمی از تخریـب بافت‌هـای قدیـمی در راسـتای گسـترش خیابان‌هـای جدیـدی صـورت گرفـت کـه الگـوی طـراحی آن‌هـا از شهرسـازی اروپـایی تأثیـر پذیرفتـه بـود. ایـن خیابان‌هـا، افـزون بـر تسـهیل عبـور وسـایل نقلیـه و پاسـخ‌گویی بـه افزایـش جمعیـت، بناهـا و فعالیت‌هـای تـازه‌ای را در دو سـوی خـود شـکل دادنـد و بـر فرهنـگ عمـومی نیـز اثـر گذاشـتند. خیابـان از فضـایی عمدتـاً بـرای رفت‌وآمـد و خریـد، بـه محـلی بـرای گـردش، تفریـح و نمایـش سـبک‌های تـازهٔ زنـدگی تبدیـل شـد. حضـور زنـان نیـز در ایـن فضاهـا افزایـش یافـت. افـزون

بـر ایـن، همان‌گونـه کـه میدان‌هـا محـل تجمـع و اعتـراض بودنـد، خیابان‌هـای جدیـد نیـز بـه عرصـه‌ای بـرای بیـان خواسـت‌های اجتماعی و سیـاسی تبدیـل شـدند و زنـان، به‌ویـژه در دهه‌هـای بعـد، در کنـار مـردان در راهپیمایی‌هـا و تظاهـرات حضـور یافتنـد (حبیبی، ۱۳۸۴: ـ ۱۶۳)

احـداث خیابان‌هـا و مراکـز تفریـحی جدیـد بـا تغییـر در علایـق، شیـوهٔ حضـور در شـهر و الگوهـای مصـرف شـهرنشینان همـراه بـود. در ایـن دوره، مفاهیـمی ماننـد آسـایش، رفـاه و مصـرف کالاهـای جدیـد جایـگاه پررنگ‌تـری در زنـدگی شـهری یافتنـد و بخـشی از معمـاری و شهرسـازی نیـز بـا هـدف پاسـخ‌گویی بـه ایـن نیازهـای تـازه طـراحی و اجـرا شـد

از ایـن منظـر می‌تـوان گفـت در دورهٔ پهلـوی اول، نـگاه برنامه‌ریزانـه، کارکردگـرا و عـقلانی بـه معمـاری و شهرسـازی تقویـت شـد. در مقایسـه بـا بخش‌هـایی از معمـاری اواخـر قاجـار کـه همچنـان پیونـدی پررنـگ بـا سـنت و بازنمـایی نمادیـن گذشـته داشـت، فضـای شـهری در دورهٔ رضاشـاه بیـش از پیـش بـا منطـق نظـم، کارکـرد و فایده‌گـرایی مـدرن سـازمان یافـت

ساخت مراکز جدید

رایگان‌شـدن دبسـتان‌های دولـتی در سراسـر کشـور، کـه بـر اسـاس قانـون از اول فروردیـن ۱۳۱۲ اجـرا شـد، از اقدامـات مهـم دولـت در حـوزهٔ آمـوزش عمـومی بـود. در همـان سـال، انجمـن مـلی تربیـت بـدنی کـه پیش‌تـر تشـکیل شـده بـود، رسـمیت یافـت و بـا ایجـاد ورزشـگاه‌ها و اسـتخرهای شـنا، برگـزاری مسـابقات و اعطـای جوایـز فعالیـت خـود را گسـترش داد (صدیـق، ۲۵۳۶: ۱۷). ایجـاد ورزشـگاه‌ها، سـالن‌ها، کلوپ‌هـا و کلاس‌هـای ورزشی، فضاهـای تـازه‌ای بـرای فعالیـت بـدنی فراهـم کـرد و امـکان حضـور بیشـتر زنـان و دختـران در فعالیت‌هـای ورزشی را بـه وجـود آورد. ایـن حضـور، در کنـار دیگـر تحـولات اجتمـاعی، بـه گسـترش تعـاملات اجتماعی زنـان و افزایـش مطالبـهٔ دسـترسی برابـر بـه امکانـات عمـومی کمـک کـرد

یـکی از نمودهـای مهـم نهادهـای جدیـد آمـوزشی، تأسیـس و گسـترش مـدارس دخترانـه بـود. نخسـتین مدرسـهٔ دخترانـه در کرمـان در سـال ۱۳۱۵ هـ ق تأسیـس شـد (یـزدانی، ۱۳۷۷: ـ ۱۳). در دورهٔ پهلـوی اول، مـدارس ابتـدایی و متوسـطه، به‌ویـژه در شـهرهای بـزرگ، گسـترش یافتنـد و مـدارس دولـتی رایـگان امـکان تحصیـل را بـرای بخـشی از طبقـات فرودسـت شـهری فراهـم کردنـد؛ هرچنـد کـودکان ناچـار بـه کار و بخـش بـزرگی از جمعیـت روسـتایی همچنـان دسـترسی

محـدودی بـه آمـوزش داشـتند. طبقـات متوسـط شـهریِ متجـدد به‌تدریـج دختـران خـود را بـه مدرسـه فرسـتادند و بخـشی از خانواده‌هـای سـنتی نیـز از ایـن رونـد پیـروی کردنـد (همایـون کاتوزیـان، ۱۳۸۹: ۴۴۲). توجـه بـه معمـاری مـدارس دخترانـه نیـز افزایـش یافـت؛ چنان‌کـه در سـال ۱۳۱۴ خورشیـدی طـرح وارطـان هوانسیـان بـرای هنرسـتان دختـران برگزیـده شـد. ایـن بنـا از نمونه‌هـای مهـم معمـاری مـدرن ایـران در آن دوره بـه شـمار می‌رود (لوکـس و نرسیسیانـس، ۱۳۸۸: ۷)

اعـزام دانشـجو بـه خـارج از کشـور از دورهٔ قاجـار آغـاز شـده بـود، امـا در دورهٔ پهلـوی اول گسـترش یافـت. بسیـاری از ایـن دانشـجویان بـه فرانسـه، بریتانیـا، آلمـان، سـوئیس و بلژیـک اعزام می‌شـدند و پـس از بازگشـت، در انتقـال دانـش، شیوه‌هـای آمـوزشی و بـرخی الگوهـای اجتمـاعی و فرهنـگی نقـش داشـتند (دشـتی، ۱۳۸۹: ۳۴۵). در سـال ۱۳۰۷، پـس از اعـزام صـد دانشـجوی ایـرانی بـه اروپـا، رضاشـاه در گفت‌وگـو بـا روزیتـا فوربـز بـر ضـرورت تربیـت متخصصـانی تأکیـد کـرد کـه ضمـن آموختـن از اروپـا، هویـت و فرهنـگ ایـرانی خـود را حفـظ کننـد. بـرخی منابـع از حضـور شـماری از دختـران در میـان دانشـجویان اعـزامی نیـز یـاد کرده‌انـد (یـزدانی، ۱۳۷۷: ۱۴). مهم‌تریـن نهـاد آمـوزش عـالی ایـن دوره، دانشـگاه تهـران بـود کـه در سـال ۱۳۱۳ خورشیـدی تأسیـس شـد. طـرح و سـاخت مجموعـهٔ دانشـگاه بـا همـکاری معمـارانی چـون آنـدره گـدار، فـروغی، نیـکلای مارکـف، ماکسیـم سیـرو و مـوزر انجـام گرفـت. دانشـگاه تهـران از نخسـتین فضاهـای آمـوزشی رسـمی بـود کـه حضـور زنـان و مـردان را در محیـطی مشـترک و مـدرن امکان‌پذیـر کـرد

کشف حجاب و معماری جدید

یـکی از مناقشـه‌برانگیزترین سیاسـت‌های رضاشـاه، کشـف حجـاب بـود کـه در سـال ۱۳۱۴ اجـرا شـد. بحـث تغییـر پوشـش زنـان پیش‌تـر از سـوی بـرخی روشـنفکران مطـرح شـده بـود، امـا اجـرای دولـتی آن در ایـن دوره واکنش‌هـا و مناقشـات گسـترده‌ای برانگیخـت. سیاسـت یکسان‌سـازی پوشـش، مـردان را نیـز دربـر می‌گرفـت و دولـت بـرای تهیـهٔ لباس‌هـای جدیـد کارمنـدان و خانواده‌هـای آنـان بودجه‌هـایی اختصـاص داد. پـس از کناره‌گیـری رضاشـاه در سـال ۱۳۲۰، بخـشی از زنـان طبقـهٔ متوسـط پوشـش اروپـایی را حفـظ کردنـد، درحالی‌کـه در بـرخی طبقـات دیگـر اسـتفاده از چـادر دوبـاره گسـترش یافـت. وارطـان هوانسیـان، معمـار ایـرانی متولـد

۱۲۷۵ خورشیدی در تبریز، از مدافعان جدی معماری مدرن و از معماران فعال در پروژه‌های نوسازی این دوره بود. او در نوشته‌های خود، میان کشف حجاب و کنارزدن پوسته‌های معماری قاجاری نوعی قیاس برقرار می‌کرد. بااین‌حال، در دهه‌های بعد بر ضرورت برخورداری معماری مدرن از هویت و ویژگی‌های ایرانی نیز تأکید داشت و از منتقدان گرایش باستان‌گرایانهٔ معماری دورهٔ پهلوی بود (امیربانی، ۱۳۹۰: ۱۹۴ ـ)

اجرای اجباری کشف حجاب برای بخشی از زنان، به‌ویژه زنان خانواده‌های سنتی و مذهبی، مشکلات عملی و اجتماعی ایجاد کرد. در دوره‌ای که حمام‌های خصوصی هنوز در بسیاری از خانه‌ها وجود نداشت و استفاده از حمام عمومی رایج بود، برخی زنان برای پرهیز از مواجهه با مأموران حکومتی رفت‌وآمد خود را محدود می‌کردند یا در ساعت‌های خلوت‌تر به حمام می‌رفتند. تغییر اجباری پوشش همچنین با حساسیت‌های دینی و فرهنگی بخشی از جامعه تعارض پیدا کرد و استفاده از لباس‌ها و پارچه‌های وارداتی نیز به یکی از موضوعات مورد بحث در این زمینه تبدیل شد

دیوار شفاف و مسئلهٔ محرمیت

یکی از نمونه‌های شاخص معماری دورهٔ مشروطه، ساختمان مجلس شورای ملی و سردر آن است. این بنا در ادامهٔ سنت‌های معماری قاجار شکل گرفت، اما هم‌زمان از مفاهیم و الگوهای تازهٔ متأثر از غرب بهره برد. از جملهٔ این عناصر، آنچه بهشتی «دیوار شفاف» می‌نامد، یعنی نرده‌ای است که فضاها را از یکدیگر جدا می‌کند، بی‌آنکه دید را به‌طور کامل مسدود سازد. به گفتهٔ او، این عنصر در فضای پیرامون مجلس شورای ملی از نخستین نمونه‌های شاخص در فضای شهری ایران بود (بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۶). با گسترش ساخت‌وسازهای جدید، کاربرد نرده و دیوارهای کوتاه‌تر در برخی خانه‌های مسکونی نیز رواج یافت. این تغییر، در مقایسه با دیوارهای بلند خانه‌های سنتی، میزان دید از فضای عمومی به حیاط را افزایش می‌داد و می‌توانست بر نحوهٔ استفادهٔ زنان و دیگر اعضای خانواده از فضاهای باز خانه اثر بگذارد

آپارتمان‌نشینی

با گسترش مصالح و فنون جدید ساختمانی، ساخت بناهای بزرگ و چندطبقه افزایش یافت

و زمینهٔ رشد عمودی شهر و رواج تدریجی آپارتمان‌نشینی به‌عنوان گونه‌ای جدید از مسکن شهری فراهم شد. هم‌زمان با توسعهٔ خیابان‌ها و فضاهای باز، عناصر و تجهیزات شهری مانند چراغ‌های روشنایی، جدول‌سازی، فضای سبز حاشیه‌ای، تابلوها، سایه‌بان مغازه‌ها، ویترین‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی رواج یافتند و تفاوت میان معابر قدیمی و جدید را آشکارتر کردند. به این ترتیب، در کنار محله‌های سنتی، فضاهایی با سیمای نوین و گاه ناهمگون شکل گرفتند (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۲۲). در معماری مسکونی نیز پنجره‌هایی که در الگوی سنتی عمدتاً به حیاط داخلی گشوده می‌شدند، در برخی ساختمان‌های جدید رو به خیابان قرار گرفتند. همچنین، سازمان ورودی خانه‌ها ساده‌تر و مستقیم‌تر شد و برخی عناصر سنتی مرتبط با کنترل دید و حریم کاهش یافتند. رواج آپارتمان‌نشینی، اشراف واحدها بر یکدیگر و استفاده از راه‌پله‌ها و فضاهای مشترک نیز برداشت سنتی از محرمیت و مرز میان فضای خصوصی و عمومی را دگرگون کرد

نتیجه‌گیری

گسترش روابط ایران با کشورهای غربی، یکی از عوامل مهم ورود و رواج الگوهای جدید معماری بود و این روند بر معماری سنتی ایران اثر گذاشت. در نتیجه، معماری ایران به‌تدریج به سوی نوگرایی حرکت کرد و در دورهٔ پهلوی اول، سیمای بسیاری از شهرها در مقایسه با دوره‌های پیشین به‌طور چشمگیری دگرگون شد

ایجاد نهادها و فضاهای جدید، مانند سینما، تئاتر، کلوپ، ورزشگاه، دانشگاه و مدارس نوین، که بخشی از زیرساخت‌های مدرنیزاسیون و تجدد در ایران را تشکیل می‌دادند، ضرورت طراحی و ساخت گونه‌های تازهٔ معماری را افزایش داد

از مهم‌ترین آثار معماری این دوره می‌توان به کاخ‌ها، وزارتخانه‌ها، دانشگاه‌ها، بانک‌ها، سینماها، ایستگاه‌های راه‌آهن و دیگر نهادهای جدید اشاره کرد. گسترش این بناها تا حد زیادی پاسخی به نیازهای اداری، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور بود. در این چارچوب، «نیاز» به فضاها و خدمات تازه را می‌توان یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری نهادهای جدید دانست؛ نیازهایی که با گسترش آموزش، ارتباطات و آگاهی اجتماعی بیش از پیش آشکار شدند

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گسترش مدارس جدید، دانشگاه، میدان‌ها،

خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، آپارتمان‌ها، کلوپ‌ها، ورزشگاه‌ها، سینماها، رستوران‌ها و دیگر فضاهای عمومی و تفریحی، شیوهٔ حضور زنان در شهر را دگرگون کرد. این فضاها فرصت‌های تازه‌ای برای آموزش، ورزش، خرید، تفریح و مشارکت اجتماعی فراهم آوردند و در مواردی، خود زنان نیز خواهان دسترسی برابرتر به امکانات جدید شدند. در عین حال، تغییر سازمان فضایی خانه و شهر، کاهش برخی حریم‌های سنتی و افزایش فضاهای مختلط، با ارزش‌ها و عادات بخشی از جامعهٔ ایران تعارض پیدا کرد. این فرایند ابتدا در میان طبقات مرفه، دیوان‌سالاران و طبقهٔ متوسط شهری آشکارتر بود و سپس به گروه‌های دیگر گسترش یافت. از سوی دیگر، فضاهایی مانند دانشگاه تهران، میدان‌ها، مدارس و خیابان‌ها تنها محل تحصیل، رفت‌وآمد یا خرید نبودند، بلکه به عرصه‌هایی برای کنش جمعی و اعتراض‌های اجتماعی زنان و مردان تبدیل شدند؛ ازاین‌رو می‌توان آن‌ها را، در معنایی اجتماعی، «مکانرویداد» دانست. پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که انتقال الگوهای معماری غربی، هرگاه بدون توجه کافی به زمینه‌های فرهنگی و دینی جامعهٔ ایران صورت گرفته، در مواردی با شیوهٔ زیست و مفهوم محرمیت در خانواده‌های ایرانی ناسازگار بوده است. ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود در طراحی معماری و شهرسازی معاصر، تجربه‌های تاریخی این دوره و نیازهای متنوع کاربران، از جمله مسئلهٔ حریم و امنیت زنان، در کنار الزامات زندگی مدرن مورد توجه قرار گیرد

منابع

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴). «ایران بین دو انقلاب»، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، محسن مدیرشانه‌چی و حسن شمس‌آوری، چاپ نهم. تهران: مرکز

امیربانی، مسعود (۱۳۹۰). «معماری معاصر ایران (در تکاپوی بین سنت و مدرنیته)»، جلد چهارم، چاپ چهارم. تهران: هنر معماری قرن

انصاری، مریم (۱۳۸۸). «ارتفاع پست (تأملی جامعه‌شناختی دربارهٔ معماری و شهرسازی غیربومی در شهر تهران)»، خردنامهٔ همشهری، ش. ۳۵، آبان

بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۵). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری و شهرسازی در دورهٔ پهلوی اول»، دوفصلنامهٔ مدرس هنر، دورهٔ ۱، ش. ۱، پاییز و زمستان

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۰). «مشروطه و تداوم حیات فرهنگ ایرانی»، روزنامهٔ شرق،

ویـژهٔ مشـروطیت، شـنبه ۱۵ مـرداد
جابری‌مقـدم، مرتـضی هـادی (۱۳۸۴). «شـهر و مدرنیتـه»، چـاپ دوم. تهـران: فرهنگسـتان هنـر
حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۴). «از شار تا شهر»، چاپ ششم. تهران: دانشگاه تهران.
حسیـن یـزدی، مریـم (۱۳۹۲). «معمـاری دوران پهلـوی»، انسان‌شـناسی و فرهنـگ، ویژه‌نامـهٔ هشـتمین سـالگرد، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲.
دانیـل، ویکتـور و دیگـران (۱۳۸۲). «معمـاری نیـکلای مارکـف»، ترجمـهٔ ترانـه یلـدا، چـاپ اول. تهـران: دیـد
دشـتی، فرزانـه و سیدمصطـفی ابطـحی (۱۳۸۹). «شبه‌نوسـازی در عصـر پهلـوی اول»، راهبـرد یـاس، ش. ۲۱، بهـار
زرکـش، افسـانه (۱۳۸۸). «نقـش و تأثیـر عوامـل دولـتی در معمـاری بناهـای خصـوصی در دورهٔ پهلـوی اول»، کتـاب مـاه هنـر، دی
سـهرابی، نارسیـس و رسـول ربـانی (۱۳۸۶). «معمـاری دورهٔ پهلـوی»، مجلـهٔ هنرهـای زیبـا، ش. ۳۱، پاییـز
صدیـق، عیـسی (صدیـق اعلـم) (۲۵۳۶). «تجدیـد حیـات ایـران در زمـان رضاشـاه کبیـر»، مجلـهٔ وحیـد، ش. ۲۳۰؛ متـن سـخنرانی در دانشـگاه تهـران، ۲۳ اسـفند ۲۵۳۶.
کمـالی، محمدرضـا (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹). «بـررسی معمـاری دورهٔ قاجـار»، دوفصلنامـهٔ دانـش مرمـت و میـراث فرهنـگی، سـال پنجـم، ش. ۴، پیـاپی ۵، زمسـتان و بهـار
لوکـس، آرمـان و امیلیـا نرسیسیانـس (۱۳۸۸). «نقـش جامعـهٔ ایرانیـان ارمـنی در ظهـور معمـاری مـدرن شـهر تهـران»، مطالعـات اجتمـاعی ایـران، سـال سـوم، ش. ۲، پیـاپی ۶، تابسـتان
ملایی تـوانی، علیرضـا (۱۳۸۶). «درآمـدی بـر روش پژوهـش در تاریـخ»، چـاپ اول. تهـران: نی
مهدیـزاده، جـواد (۱۳۸۱). «دورهٔ نوسـازی و پیدایـش مادرشـهر تهران»، جسـتارهای شهرسـازی، ش. ۳، پاییـز و زمسـتان
نوربخـش، هدیـه (۱۳۸۶). «عرصه‌هـا و نهادهـای شـهری در تهـران عصـر مشـروطه»، گلسـتان هنـر، ش. ۹، پاییـز
همایـون کاتوزیـان، محمدعـلی (۱۳۸۹). «دولـت و جامعـه در ایـران»، ترجمـهٔ حسـن افشـار،

چـاپ پنجـم. تهـران: مرکـز
یـزدانی، مرضیـه (۱۳۷۷). «تاریخچـۀ معـارف در ایـران»، گنجینـۀ اسـناد، ش. ۳۱ و ۳۲، پاییـز و زمسـتان